



نبرد سرخروشت؛

بیانیه تاریخی

مجموعه پیام های تبیینی پیرامون
جنگ دوم اسرائیل و آمریکا با ایران





 payamenehzat.ir

 @ paiaamenehzat

فهرست

۴	پیام اول	خبرگان رهبری شجاعت و اصالت نهاد فقاقت شیعه را به اثبات رساند.
۵	پیام دوم	خبرگان رهبری نشان داد نهاد پیشرو در دفاع از منافع ملی است.
۶	پیام سوم	در شرایط تعطیلی نامتعارف مجلس، خبرگان رهبری در دفاع از جمهوریت نقش آفرینی کردند.
۷	پیام چهارم	نامرسوم خواندن این بیانیه توسط دبیرخانه موجب القای شکاف درونی خبرگان به دشمن شد.
۸	پیام پنجم	فتوای مهدورالدم خواندن ترامپ و نتانیاهو، زمینه خونخواهی امام جامعه را فراهم کرد.
۹	پیام ششم	تاکید خبرگان ملت بر واجب الاتباع بودن رهنمودهای رهبری، مانع کارشکنی جریان‌های سیاسی خواهد شد.
۱۰	پیام هفتم	تعیین بازگشایی تنگه هرمز به عنوان ملاک تخلف از تعهدات، مصداق برای نظارت بر تحقق شروط است.
۱۱	پیام هشتم	هشدار خبرگان نسبت به دست‌هایی که به دنبال محدودسازی مردم هستند، جدی گرفته شود.
۱۲	پیام نهم	بیانیه خبرگان سرانجام حضور خیابانی مردم را مشروط به امر رهبری معظم کرده است.
۱۳	پیام دهم	بیانیه خبرگان، پیشرانی برای انجام وظیفه سایر نهادها و شخصیت‌های انقلابی است.
۱۴	پیام یازدهم	اخطار موجود در بیانیه، نشانه‌ای بر عزم جدی خبرگان برای دفاع از حقوق ملت ایران است.
۱۵	پیام دوازدهم	تحقق اجماع حداکثری در صدور این بیانیه در تاریخ مجلس خبرگان کم سابقه است.
۱۶	پیام سیزدهم	تاکید خبرگان بر پرهیز از ارسال پالس ضعف به دشمن، باید مد نظر مسئولان کشور قرار بگیرد.
۱۷	پیام چهاردهم	جریان انقلاب نباید اجازه دهد این بیانیه تاریخی تحت تاثیر بازی‌های سیاسی به حاشیه رانده شود.

خبرگان رهبری شجاعت و اصالت نهاد فقاقت شیعه را به اثبات رسانند.

بیانیه اخیر خبرگان رهبری درباره تفاهم نامه، مواضع مسؤولان، چگونگی پیگیری شروط مردم و رهبرشان و نیز بیان احتمالات آتی و اندازها نسبت بدان ها، نه بیانیه ای کلی و مبهم بلکه متنی صریح، دارای تخطاب روشن، ناظر به برخی جزئیات و کلیات بسیار مهم است؛ بیانیه ای که امضای اکثریت قریب با اتفاق اعضای خبرگان را به همراه دارد. این مواضع آشکار هم از یک عقبه فرهنگ اصیل



اسلامی جوشیده و هم به شکلی افق گشا به میان آمده است. آن عقبه فرهنگ اسلامی متکی بر دانش قویم و متعبد فقه است که با تکیه بر منابع دین درصدد کشف غرض و دستور الهی است و از هرگونه تحمیل نظر شخصی یا گروهی در فرایند فهم دین اجتناب می کند. در اینجا می توان از شجاعتی خاص سخن گفت که ساختار فقاقت شیعه هرگاه به حکم و تکلیف الهی می رسد در پیگیری تحقق آن تکلیف به مثابه یک وظیفه قطعی و گریزناپذیر، هیچ ملاحظه و هزینه ای را به رسمیت نشناخته، شجاعانه آماده مواجهه با عوارض و پیامدها است. فتوای نیم خطی میرزای شیرازی متکی بر قاعده قرآنی نفی سبیل و متکی بر ایمان ایرانیان و پرداخت هزینه سنگین در تجارت و کشاورزی، چنان شد که قدرت استعماری انگلیس و استبداد خائن وقت را وادار به عقب نشینی تاریخی کرد.

ضمناً بیان اینکه «در نظام ولایی دیدگاه و نظر ولی امر فصل الخطاب است» است و «هیچ مسؤولی نباید خلاف نظر ولی فقیه اقدام کند»، در واقع اشاره به این اندیشه اصیل از امامان معصوم ماست که امام مع و طبعاً نایبان ایشان، به منزله نخ تسبیح جامعه اند و اتحاد باید حول ایشان و تشخیص آنان شکل بگیرد و تشخیص دیگران باعث تشتت و انحراف خواهد بود. به ویژه در زمانه ای که دشمن با هجوم فکری و حتی فیزیکی به شخص و جایگاه رهبری درصدد گسست انسجام اجتماعی است. به علاوه زمان شناسی و موضوع شناسی فعال ناشی از شناخت عمیق دشمن در بسیاری از سطور این بیانیه ساطع است؛ امری که اقدامات آینده نگرانه را با اندازهای دلسوزانه فقه زمان شناس پیوند زده و فریادگر زنده بودن فقه اصیل اسلامی است.

خبرگان رهبری نشان داد نهاد پیشرو در دفاع از

منافع ملی است.



در شرایط کنونی که مسئله تداوم مذاکرات و ارزیابی نتیجه بخش بودن تفاهم نامه اخیر با دیدگاه ها و اختلاف نظرات گوناگونی در سطح جامعه و نخبگان سیاسی مواجه است، بیانیه اخیر مجلس خبرگان رهبری، نقطه عطفی در تبیین مسیر درست و پاسداری از حقوق ملت به شمار می رود. این بیانیه به صراحت نشان داد که مجلس خبرگان، نهادی پیشرو، بیدار و نماینده ای واقعی برای دفاع از منافع ملی و استیفای حقوق مردم

ایران در برابر زیاده خواهی های نظام سلطه است. بیانیه در وهله نخست، بر صیانت از خطوط قرمز و دستاوردهای راهبردی کشور متمرکز است. خبرگان رهبری با اشاره به حقوق هسته ای، صراحتاً تأکید می کند که این حقوق غیرقابل مناقشه بوده و باید به طور کامل از دایره گفتگوها خارج بماند. علاوه بر این، با درک احتمال خلق فرصت برای طرف مقابل برای تجدید قوا یا بهره برداری های سیاسی، بیانیه خواستار تعیین تکلیف موارد مطروحه در تفاهم نامه طی مهلت های مشخص ۳۰ و ۶۰ روزه شده است تا از فرسایشی شدن مذاکرات که به ضرر منافع ملی است، جلوگیری شود.

در بخش دیگری از این بیانیه، مطالبات اقتصادی و ژئوپلیتیک ملت ایران به وضوح صورت بندی شده است. دریافت غرامت، بازگشت اموال بلوکه شده و رفع کامل تحریم ها به عنوان مطالبات تخلف ناپذیر مطرح گردیده است. همچنین بیانیه با نگاهی واقع بینانه به تحولات منطقه و استمرار تجاوزات رژیم صهیونیستی در لبنان، به مسئله حیاتی تنگه هرمز پرداخته و یادآور می شود که هرگونه امتیازدهی زود هنگام مانند بازگشایی تنگه هرمز، پیش از توقف نقض عهدها، خطایی راهبردی است و انتظار می رود هرگونه پیمان شکنی با پاسخی سریع و قاطع از سوی مسئولان روبرو شود. در نهایت، بیانیه بر حفظ عزت و کرامت ملت ایران در عرصه بین الملل تأکید دارد. خبرگان رهبری از مسئولان می خواهد با درس گرفتن از تجربه های گذشته، مراقب شیطنتهای طرف مقابل باشند و از هرگونه موضع گیری که شائبه ضعف یا ناتوانی کشور را القا کند، پرهیز کنند. این رویکرد مستدل در کنار تأکید بر ضرورت پاسخگویی، نشان می دهد که خبرگان ملت حفظ اقتدار ملی را شرط لازم برای هرگونه توافق می داند و منتظر تحقق شروط و وعده ها به نفع مردم خواهد ماند.

در شرایط تعطیلی نامتعارف مجلس شورای اسلامی، خبرگان رهبری در دفاع از جمهوریت نقش آفرینی کردند.

جمهوریت و مداخله اراده ملت در حکمرانی و مسیر حرکت کشور، همواره به عنوان یکی از اصلی ترین ایده های انقلاب اسلامی توصیف شده است و طی سالهای پس از انقلاب نیز در عرصه های گوناگون، موفقیت ها و البته ناکامی هایی نیز داشته است. لکن در شرایط فعلی که ملت ایران در افق جدیدی مبعوث شده است، چهارماه است برای پشتیبانی از نظام، شب و روز حضوری دائمی در خیابان ها داشته است و آیت الله سیدمجتبی خامنه ای نیز آنها را به مثابه ضلع



قدرتی تعریف کرده است که اراده ورزی هایشان ضروری است و می تواند دست مسئولین را پر کند و در شرایط فعلی باید ناظر تحقق شروط گفته شده باشد. در این روزها به شکلی نامتعارف و بدون هرگونه توضیح موجهی، مجلس شورای اسلامی تعطیل مانده است. لذا علی رغم اینکه ضلع قدرت خیابان و ملت ایران، عنصری تعیین کننده در سرنوشت آینده کشور است و این قدرت تعیین کنندگی برآمده از ایده های انقلاب اسلامی است، اما مجلس شورای اسلامی به مثابه مهم ترین مجرای اراده ورزی ملی ایرانیان، همچنان تعطیل مانده است و این نیروها که می توانست از طریق مجلس به بدنه دولت و حاکمیت کشور تزریق شود و محلی برای نظارت بر تحقق شروط باشد، مسکوت مانده است. بنابراین در چنین شرایطی، انتشار پیام خبرگان مردم با تصریح بر اینکه این پیام به منظور تحقق بخشی به همان نظارتی است که رهبر معظم انقلاب فرمودند، بار دیگر نشان داد که نظام جمهوری اسلامی، جمهوریت و مداخله اراده ملت را در ساختارهای متنوعی از نظام خود طراحی و تدبیر کرده است تا در شرایط بحرانی این چنینی، بتواند از مسیرهایی جایگزین، اراده مردم خود را به حاکمیت تزریق کند. لذا انتشار این پیام از سوی اعضای خبرگان، تمکینی بود از فرمان رهبری مبنی بر ضرورت نظارت مردم بر تعهدات مسئولین و شروط گفته شده و همچنین اجابتی بود از درخواست مردم برای شنیده شدن نظارت های آنها. بر همین اساس است که انتشار پیام خبرگان، اقدامی موثر در راستای پاسداشت جمهوریت و حقوق مردم ایران در نظارت بر تعهدات مسئولین و شروط گفته شده به حساب می آید.

نامرسوم خواندن این بیانیه توسط دبیرخانه موجب القای شکاف درونی خبرگان به دشمن شد.



دبیرخانه مجلس خبرگان بیانیه جنابانی ۶۳ عضو
این مجلس را «نامرسوم» خواند

اقدام اخیر اکثریت فقهای مجلس خبرگان رهبری در انتشار بیانیه‌ای قاطع، بصیرت‌افزا و پیشرو، یک نقطه عطف و حرکتی خط‌شکنانه در تاریخ تحركات این نهاد عالی‌رتبه به شمار می‌رود. این حرکت انقلابی که با هدف حمایت همه‌جانبه از مواضع رهبر معظم انقلاب و مطالبه‌گری جدی برای تحقق شروط ایشان در توافقات شکل گرفت، موجی از امید و اقتدار را در کالبد امت حزب‌الله تزریق کرد. از نهادهای که رسالت ذاتی‌اش پاسداری از حریم ولایت است، دقیقاً همین انتظار می‌رفت که در بزنگاه‌های حساس سیاسی، پیشگام و بن‌بست‌شکن باشد. با این حال، صدور بیانیه‌ای از سوی دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری در

واکنش به این اقدام شایسته، به جای تقویت و ضرب دادن به این صدای رسا، عملاً به تضعیف آن انجامید. دبیرخانه در متن منتشرشده، اگرچه در ظاهر بر لزوم تأمین دقیق نظر مطلق رهبری و تداوم حضور مقتدرانه مردم ولایتمدار در خیابان‌ها تأکید کرده است، اما در رویکردی تأمل‌برانگیز، اقدام اکثریت فقها را صرفاً به دلیل عدم تطابق با تشریفات و آیین‌نامه‌های اداری، توبیخ کرده و آن را حرکتی «نامرسوم» خوانده است. دبیرخانه با طرح این گله‌مندی که صدور بیانیه باید از مجرای رسمی هیئت‌رئیس یا صحن مجلس صورت می‌گرفت، عملاً یک حماسه سیاسی و به‌موقع را به سطح مناقشات بروکراسی داخلی تقلیل داد. اما مهمل‌ترین و خطرناک‌ترین پیامد بیانیه دبیرخانه، ضربه‌ای است که به تصویر یکپارچگی نظام در برابر بیگانگان وارد می‌شود. در شرایطی که جبهه استکبار با تمام قوا و ابزارهای رسانه‌ای در حال رصد کوچک‌ترین پالس‌های داخلی ماست، علنی کردن اختلافاتِ روشی و کشاندن گله‌مندی‌های داخلی اعضای خبرگان به تریبون‌های عمومی، خطای محاسباتی بزرگی بود.

وقتی دستگاه محاسباتی دشمن مشاهده کند که حرکت انقلابی و مطالبه‌گرانه اکثریت نمایندگان خبرگان، توسط ساختار رسمی همان مجلس برنتابیده و با پرچسپ عبور از رویه‌ها تخطئه می‌گردد، به این توهم خطرناک می‌رسد که انسجام ساختاری جبهه انقلاب دچار تزلزل شده است. صیانت واقعی از جایگاه رفیع خبرگان، در گرو اتحاد و حمایت بی‌لکنت از اقدامات انقلابی و به‌هنگام است، نه در اسارت رسوم اداری که خروجی آن، چیزی جز القای تشقت و امیدواری دشمنانِ قسم‌خورده نخواهد بود.

فتوای مهدورالدم خواندن ترامپ و نتانیا هو توسط مجتهدین خبرگان، زمینه خونخواهی امام جامعه را برای جمیع مسلمانان فراهم کرد.

اخیراً جمع قابل توجهی از فقها و اعضای مجلس خبرگان رهبری با انتشار بیانیه‌ای قاطع، سران رژیم صهیونیستی و آمریکای جنایتکار را «مهدورالدم» اعلام کردند. این موضع‌گیری شجاعانه، نقطه عطفی در تاریخ مواجهه فقهی و سیاسی انقلاب اسلامی با سردمداران استکبار به شمار می‌رود. مجتهدین خبرگان در این بیانیه تاریخی، با صراحت بر لزوم برخورد بدون ممانعت با متجاوزان تأکید کرده و رئیس‌جمهور آمریکا و نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی را به عنوان عاملان اصلی و مهدورالدم جنایات اخیر معرفی نموده‌اند. آن‌ها با نفی هرگونه تساهل و اغماض در مسیر انتقام خون رهبر شهید امت، اجرای مجازات و به درک



بیانیه اعضای مجلس خبرگان:
هر کس به نتانیا هو و ترامپ
دست یافت، باید آنها را بکشد

واصل کردن این جنایتکاران را به عنوان یک فریضه و واجب شرعی بر عهده هر مسلمانی که به آن‌ها دسترسی داشته باشد، قرار داده‌اند.

صدور این حکم از ابعاد گوناگونی واجد اهمیت راهبردی است. نخست آنکه از منظر فقهی با توجه به جایگاه والای صادرکنندگان این بیانیه که از مجتهدین هستند، این فتوا «شرعاً مجزی» و معتبر است. به عبارت دیگر، این موضع‌گیری، یک حجت شرعی و تکلیفی الهی بر دوش جمیع مسلمانان، آزادگان و نیروهای محور مقاومت در سراسر جهان می‌گذارد تا برای اجرای عدالت، منتظر تشریفات دیپلماتیک و روندهای پیچیده بین‌المللی نمانند.

دوم آنکه از حیث سیاسی و اجتماعی، این فتوا پشتوانه اصلی‌ترین مطالبه مردمی و نیاز فوری انقلاب، یعنی «خون‌خواهی رهبر شهید» است. خون‌خواهی امام جامعه در این مقطع، صرفاً یک واکنش احساسی و مقطعی نیست، بلکه یک ضرورت استراتژیک برای حفظ رهبران و مسئولان نظام است.

دشمن متجاوز باید درک کند که عبور از خط قرمز ترور و هدف قرار دادن عالی‌ترین مقام جمهوری اسلامی، هزینه‌ای به وسعت جان‌بالاترین مقامات سیاسی و امنیتی آن‌ها خواهد داشت. صدور این فتوای شجاعانه، مهم‌ترین سپر دفاعی برای تأمین امنیت رهبری جدید نظام است و با ایجاد معادله‌ای پشیمان‌کننده، هرگونه توطئه و تهدید آتی علیه ستون خیمه انقلاب را برای مدت‌های مدید خنثی خواهد کرد.

تاکید خبرگان ملت بر واجب الاتباع بودن

رهنمودهای رهبر انقلاب، مانع کارشکنی جریان های

سیاسی خواهد شد.

در میان گفتگوها و اختلاف نظرها پیرامون مذاکره با آمریکا، جریان هایی تلاش دارند دیدگاه خود را به عنوان نظر عقلانی و اجماع ملی تحمیل کنند. آنان با فضا سازی، هر مخالفتی را خروج از عقلانیت می نامند و اراده سیاسی خود را به کلیت نظام دیکته می کنند. در این میان، خطری بزرگ جایگاه ولایت فقیه را تهدید می کند، به حاشیه راندن نظر ولی جامعه و تنزل آن به یک دیدگاه در کنار سایر آرا. این بازی سیاسی، زمینه ساز تضعیف نهاد رهبری در آینده است؛ زیرا اگر حکم رهبری صرفاً یک رأی مشورتی قلمداد شود، فصل الخطاب بودن آن از بین رفته و بی ثباتی سیاسی دامن گیر کشور می شود. جدیدترین

نشانه این پروژه و خروجی این جریانات در اظهارات اخیر حسام الدین آشنا نمایان شد. او برای نخستین بار جمع بندی نهادی را فصل الخطاب خواند، در شرایطی که پیش تر معیار نهایی، رهنمود صریح رهبر انقلاب بود. این چرخش واژگانی حساب شده، می کوشد حکم ولی فقیه را عادی سازی کرده و آن را در فرآیندهای دیوان سالارانه حل کند تا خطوط قرمز ترسیمی رهبری دور زده شود. اما در برابر انحراف این جریانات، مجلس خبرگان رهبری بیانیه ای تاریخی صادر کرد. خبرگان ملت با تأکید بر واجب الاتباع بودن رهنمودهای رهبر انقلاب، تصریح کردند که نظر ایشان فصل الخطاب و مخالفت با آن جایز نیست. این بیانیه، خط بطلانی بر نظریه ای کشید که می خواست مرجعیت رهبری را با مصوبات نهادی جایگزین سازد و دوگانگی میان نظر رهبری و جمع بندی نظام را مردود شمرد.

تأکید خبرگان ملت بر لزوم تبعیت از رهنمودهای رهبر انقلاب، مانع کارشکنی جریان های سیاسی خواهد شد. اکنون هیچ طیفی نمی تواند پشت نقاب عقلانیت و وفاق، از اجرای حکم قطعی رهبری شانه خالی کند. این صراحت، راه را بر هرگونه تفسیر سلیقه ای و سنگ اندازی سیاسی می بندد و کارشکنی مدعیان دروغین عقلانیت را خنثی می سازد. این موضع گیری، فضای سیاسی را شفاف ساخت و نشان داد معیار خروج از بن بست ها، تمسک به ریسمان ولایت است. تلاش برای دور زدن این اصل محکوم به شکست است و ملت ایران قدر دان صراحت خبرگان در پاسداری از حریم ولایت خواهد بود. این گونه، فصل الخطاب بودن رهنمود رهبری دیگر بار تثبیت شد و هرگونه تلاش برای ایجاد دوقطبی دروغین میان نهادها و ولایت خنثی گردید.

بیانیه دوم ۶۳ عضواً
اعضای مجلس خبرگان رهبری
در مورد تفاهم رئیس جمهوران ایران و آمریکا
تخطی از
خطوط قرمز رهبری
به هیچ وجه
جایز نیست.

تعیین بازگشایی تنگه هرمز به عنوان ملاکی برای تخلف از تعهدات، مصداقی برای نظارت بر تحقق شروط است.

در پی تأکید رهبر انقلاب بر لزوم نظارت همگانی جهت تحقق شروط، اکنون یک گام عملی رو به جلو برداشته شده است. ایشان صریحاً فرمودند که خود و ملت ایران ناظر به تحقق شروط خواهند بود. این گزاره، مسؤولیت نظارت را از انحصار کارگروه‌های دولتی خارج می‌سازد و آن را به عرصه‌ای عمومی تبدیل می‌کند. در این میان، مجلس خبرگان رهبری به عنوان نهادی برخاسته از متن ملت و دارای جایگاه قانونی و کارشناسی، می‌تواند نقش محوری در این نظارت همگانی ایفا کند.

خبرگان در بیانیه اخیر خود به درستی این ظرفیت را به فعلیت رسانده است. اعلام اینکه بازگشایی تنگه هرمز بدون توقف جنگ در تمامی جبهه‌ها مصداق نقض تفاهم است، اقدامی راهبردی در مسیر نظارت بر تعهدات محسوب می‌شود. این موضع‌گیری فراتر از یک بیانیه سیاسی معمول است. خبرگان با این کار، یک ملاک عملیاتی و شفاف برای سنجش پایبندی طرف مقابل ارائه داده است؛ ملاکی که هرگونه تفسیرپذیری یا بازی با کلمات را از میان برمی‌دارد. تعیین بازگشایی تنگه هرمز به عنوان خط قرمز نظارتی، سازوکاری را ایجاد می‌کند که با آن می‌توان تخلف از تعهدات را مصداق‌یابی کرد.

این شیوه ورود، مصداق بارز همان نظارت بر تحقق شروط است. هنگامی که یک نهاد معتبر، پیشاپیش شاخص‌های تخلف را مشخص می‌کند، دو دستاورد بزرگ حاصل می‌شود، اولاً طرف مقابل می‌داند که نمی‌تواند با مانورهای دیپلماتیک یا اقدامات میدانی گزینشی، به تعهدات خود پشت پابزند؛ ثانیاً افکار عمومی با در دست داشتن این معیار عینی، می‌توانند هر لحظه عملکردها را رصد کرده و از تطبیق آن با شروط مطمئن شوند.

نگاه خبرگان به موضوع تنگه هرمز، ابعاد فنی ماجرا را برجسته می‌کند. توقف جنگ در یک جبهه و تداوم آن در جبهه‌ای دیگر، صرفاً یک تاکتیک برای کسب امتیاز یک‌جانبه است. چنین رویکردی باید تثبیت و تکثیر شود. شأن نظارتی خبرگان به مثابه چشمانی بیدار در پاسداری از منافع ملی، سرمایه‌ای بزرگ است. توسعه این مأموریت به سایر عرصه‌های راهبردی کشور، ضمانت اجرای شروط رهبری را از سطح توصیه به سطح ساختارهای نهادی ارتقا می‌دهد. این همان مسیری است که می‌تواند از تکرار تجربه‌های تلخ گذشته جلوگیری کرده و منافع ملی را در برابر تزویر تضمین نماید.

هشدار خبرگان ملت نسبت به دست‌هایی که به دنبال محدودسازی مردم مبعوث هستند، باید جدی گرفته شود.



بیانیه خبرگان ملت ایران، که هم دین‌شناس و هم زمان‌شناس‌اند حاوی اندازیهایی جدی است از جمله آورده‌اند: «از ملت عزیز تقاضا داریم که کماکان حضور آگاهانه و با صلابت خویش را در میدان ادامه دهند و ضمن حفظ اتحاد مقدس و پرهیز از هر اقدام مخل این اتحاد، به سخنان تفرقه‌افکنانه برخی ناآگاهان که به دنبال محدودسازی این بعثت الهی هستند اعتنایی نداشته باشند. حضور

مردم تازمانی که رهبری معظم علیه السلام مصلحت بدانند ضروری و تعیین‌کننده است». این در حالی است که اخیراً حتی در متون منتشرشده از برخی مراکز مطالعاتی وابسته به نهادهای رسمی به صراحت از ضرورت جمع‌شدن تجمعات خیابانی سخن گفته بودند، بگذریم از سخنان شفاهی یا سخنانی که در فضای مجازی توسط برخی مقامات مختلف اعم از مرتبط و غیرمرتبط بر زبان رانده می‌شد و همین موضوع را خواستار می‌شدند. این در حالی است که این تجمعات کارویژه‌های بسیار برجسته و البته راهبردی داشته و دارند و درواقع از دلایل ناکامی دشمن بوده است. ازجمله این کارویژه‌ها می‌توان به جمع‌کردن زمینه هرگونه کودتای دشمن و تنش خیابانی تا بیان مستقیم و بدون لکننت خواسته‌ها و احساسات مردم و نیز بیان حس آنها مبنی بر مشارکت و سودمندی در سرنوشت کشور و شکل‌گیری و تشدید فضای محبت قلبی آحاد مردم به یکدیگر با انواع سلايق و رویکردها حول دغدغه برای ایران و خون‌خواهی رهبر شهید و موارد دیگری چون حفظ هوشیاری نسبت به روندهای نامتعیین وضعیت معلق نه جنگ نه صلح کنونی.

اما آن سخنان و نوشته‌ها که به ضرورت جمع‌شدن تجمعات اشاره می‌کرد گویی یک نشانه ظاهری و بیرونی از دست‌ها و نیت‌هایی است که از حلقوم و قلم آن افراد خارج شده و خواسته جدی‌شان محدودسازی مردم مبعوث بوده است. درواقع هشدار و زمان‌شناسی خبرگان ملت، نشان از جدی بودن آن دست‌ها و نیت‌های پنهان اما خطرناک دارد که طبعاً باید جدی گرفته شود.

بیانیه خبرگان سرانجام حضور خیابانی مردم را مشروط به امر رهبری معظم کرده است.

پدیده‌ی بی‌نظیر و حماسی حضور مردم در خیابان‌ها، امروزه فراتر از یک رویداد مقطعی، تبدیل به جزئی جدایی‌ناپذیر از فرهنگ روزمره‌ی ایرانیان شده است. با تثبیت این جریان، جریان‌ها و افرادی که از اساس با این حضور معنادار مخالف بودند، پیگیری‌ها و فشارهای پیدا و پنهانی را برای خاتمه دادن به این تجمعات آغاز کردند. بدین ترتیب، ماشین جنگ روانی به کار افتاد و اخبار



ضد و نقیض و شایعاتی گسترده مبنی بر پایان یافتن این تجمعات در فضای مجازی پراکنده شد و این امر ابهامات، نگرانی‌ها و سوالاتی را در میان اقشار مختلف مردم ایجاد کرد.

در چنین فضای غبارآلود و پرالتهابی که افکار عمومی نیازمند یک پاسخ روشن و فصل‌الخطابی قاطع بود، بیانیه اخیر مجلس خبرگان رهبری به مثابه‌ی یک قطب‌نمای راهبردی عمل کرد و به تمامی این گمانه‌زنی‌های بی‌اساس پایان داد. این بیانیه، به روشنی سرنوشت و استمرار حضور میدانی مردم را منوط به فرمان رهبری کرده است. در بند نهم این بیانیه آمده است: «از ملت عزیز تقاضا داریم که کماکان حضور آگاهانه و با صلابت خویش را در میدان ادامه دهند و ضمن حفظ اتحاد مقدس و پرهیز از هر اقدام مخل این اتحاد، به سخنان تفرقه‌افکنانه‌ی برخی ناآگاهان که به دنبال محدودسازی این بعثت الهی هستند اعتنائی نداشته باشند. حضور مردم تا زمانی که رهبری معظم (مدظله‌العالی) مصلحت بدانند ضروری و تعیین‌کننده است.»

تأکید صریح بر این موضع در بند مذکور، در واقع سلاح شایعه‌پراکنی و القای یأس را از دست مخالفان و جریان‌های تفرقه‌افکن در فضای مجازی خارج کرد. این پیام به جامعه اطمینان داد که پایان این حماسه‌ی بزرگ ملی، هرگز با فضاسازی‌های رسانه‌ای و مجازی رقم نمی‌خورد. مهم‌تر از آن، این خط‌مشی صحیح و استراتژیک، سرنوشت حضور آگاهانه‌ی مردم را از مصلحت‌سنجی‌های مقطعی و محاسبات سیاسیون جدا کرده است تا پیوند راستین و ناگسستنی میان امت و امام، به دور از هرگونه دخالت و حاشیه‌سازی، مسیر اصیل و تکاملی خود را با صلابت طی کند.

بیانیه خبرگان، پیشرانی برای انجام وظیفه سایر نهادهای شخصیت های انقلابی است.

«مجموعه خبرگان، مجموعه علمای... صاحب شأن در بین مردم... در همه قضایا، به خصوص در قضیه بسیار مهم رهبری و انتخاب رهبری و قضایای مربوط به آن محسوب می شود... نقش علمای دین در هدایت مردم... است در مسئله عظیم اجتماعی و مسئله حکومت و مسئله نظام اسلامی و وظائفی که مترتب بر این هست در مقابلۀ با حوادث جهانی... بنابراین علمای دین - که از جمله برترین آن ها، مجموعه خبرگان هستند - تأثیر ماندگار و مستمری در حوادث جامعه و سرنوشت جامعه دارند». (بیانات رهبر شهید خطاب به اعضای مجلس خبرگان: ۱۳۸۸/۱۲/۶)

در این بیان رهبر شهید یکی دیگر از وجوه اهمیت اعضای این مجلس را در هدایت جامعه و به ویژه مسائل مرتبط با نظام اسلامی بیان می کنند. حال که پس از صدور پیام رهبر انقلاب درباره تفاهم نامه، خبرگان به مثابه اعضای مرتبط ترین نهاد با انقلاب اسلامی (به تعبیر رهبر شهید) به میدان آمده و این چنین هشدارها و توصیه هایی را خطاب به مجموعه های مختلف و از جمله مسئولان در تبعیت جدی از رهبری به میان آورده اند، نشان می دهد که ایشان با شناختی که از شرایط دارند، در حال کمک به تقویت و سامان مجدد انگیزشی و اندیشه ای همگان برای حفظ انسجام حول رهبر معظم انقلاب اند. در حالی که برخی زمزمه ها و سخنان مبهم و دوپهلوی نشان می دهد که برخی دچار لغزش هایی هستند؛ لغزش هایی که گرچه از روی خبیث باطن و نیت سوء نیست اما چون در کانون مهم ترین مسئله کشور یعنی نظم و ساختار ولایی کشور و فاصله با محور است، در این برهه حساس می تواند به خطرات جدی و حتی مهلک بیانجامد. از این رو اقتدا به روشن بینی و کنش هوشمندانه و پیشران اعضای محترم مجلس خبرگان از سوی شخصیت های و نهادهای انقلابی دیگر هرگونه تردید و اعوجاج و توقف و فاصله احتمالی را خواهد زدود و حتی هزینه آن را برای افراد دارای سوء نیت بسیار حداکثری خواهد ساخت. درواقع به میدان آمدن خبرگان و روشنگری ایشان، اتمام حجتی برای ضرورت همراهی صاحبان فکر و قلم انقلابی اعم از حقیقی و حقوقی در این دعوت و انداز و جهاد تبیین بسیار مهم است.

اخطار موجود در بیانیه مبنی بر عمل به «تکلیف شرعی عنداللزوم»، نشانه‌ای بر عزم جدی خبرگان برای دفاع از حقوق ملت ایران است.

خبرگان رهبری در آخرین بند پیامی که خطاب به ملت ایران منتشر کرده است، در مواجهه با مسئولین کشور تصریح می‌کند که در انتظار تحقق شروط و وعده‌های آنها نشسته است و چنانچه در روند مذاکرات با آمریکا و فرآیند تأمین منافع ملی کشور از مجرای شروط و تعهدات گفته شده اختلالی پیش آید، خود را به منظور دفاع از حقوق حقه ملت

● خادمان ملت در مجلس خبرگان نیز به عنوان بخشی از مردم در کنار رهبری عزیز و قاطبه ملت ضمن آرزوی موفقیت برای مسئولان محترم منتظر تحقق شروط و وعده‌ها می‌مانند و **عند الزوم به تکلیف شرعی خود عمل خواهند کرد.**

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته
۱۴۰۵/۴/۶

ایران موظف دانسته و به تکلیف شرعی خود عمل خواهد کرد. این بیان مبهم درباره عمل به تکلیف شرعی، گستره وسیعی به اخطار اعضاء خبرگان بخشیده است که بر اثر آن دشمن درنظر داشته باشد که یکی از مراجع قدرت نظام به نظاره شرایط ایستاده است و اگر قدمی بردارد که تهدیدی علیه منافع ملی ایران باشد یا بخواهد مسئولین کشور را دور بزند، با اعمال اراده خبرگان مواجه خواهد شد و این نهاد با قدرتهای متنوعی که دارد می‌تواند از انواع اهرم‌ها برای جلوگیری از به تاراج رفتن منافع ملی استفاده کند. بنابراین اگرچه توضیحی درباره چپستی و کیفیت عمل به تکلیف وجود ندارد، اما به وضوح روشن است که اراده‌ای که پشت تدوین چنین پیامی قرار دارد، عزمی جدی یافته است تا مانع هرگونه اخلاقی در روند تأمین منافع ملی ایرانیان شود. این اخطار هوشمندانه و فعالانه از جانب اعضاء خبرگان به مسئولین اداره کشور، نشان می‌دهد که از نظر آنها، ممکن است شرایط آینده، مجلس را مجاب به کنشگری‌های فعالانه‌تری کند و در نتیجه این رکن قدرت، توازن حقه را به معادلات و تصمیمات کشور بازگرداند. لذا تأکید پایانی بند دهم بر عمل به تکلیف شرعی عنداللزوم می‌تواند بیانگر وضعیتی باشد که ممکن است معیار تصمیم‌گیری‌ها در افق تنظیم شود که تکالیف شرعیه و دینیّه آثرا ایجاب می‌کند که براساس آن، بر هر مسلمانی واجب است و پیش از آن بر مجتهدین و مراجع این مجلس به وجوب رسیده است.

تحقق اجماع حداکثری در صدور این بیانیه در تاریخ مجلس خبرگان کم سابقه است.

بیانیه ۶۷ نفر از اعضای مجلس خبرگان و علمای حوزه به مسئولان:

پاسخ بدهید

هرگونه پیمان شکنی و نقض ها سریعاً پاسخ داده شود



مجلس خبرگان مردم به عنوان نهادی که مجرای اراده جمهوری ایران است، در راستای عمل به فرمان مقام معظم رهبری مبنی بر نظارت بر شروط گفته شده درخصوص توافقنامه با آمریکا، متن پیامی ده بندی را تدوین کرد و با اجماعی کم سابقه در تاریخ فعالیت های خود پس از انقلاب، آنرا به امضاء درآورد و در سطح جامعه منتشر کرد. این پیام به عنوان معنایی که خبرگان بر روی آن اجماع کرده و قاطبه اعضایش آنرا امضا کرده اند، سندی است بر وجود وحدت فکری و اتحاد در موضع گیری این مجلس. لذا امضای

قاطبه اعضای خبرگان نشان می دهد که تدوین و انتشار چنین پیامی خطاب به مردم ایران در این دوره زمانی و شرایط فعلی کشور، حائز اهمیتی ضرورت ساز بوده است که حتماً می بایست خبرگان مستقیماً ورود کرده و درباره روند های جاری در کشور پیامی صادر می کردند. در نتیجه اصل اقدام به تدوین و انتشار این پیام با چنین مضامینی و چنین اجماعی، نشان می دهد که مجلس خبرگان به نحوی کم سابقه، اجماعاً تشخیصی واحد داشته است و تصمیم گرفته است تا متناسب با این تشخیص واحد، قامت کنشگری خود را ارتقاء بخشد. به همین منظور این پیام اجماعی از سوی خبرگان تلاش می کند در این بزنگاه تاریخی، با نظارتی راهبردی بر امور کلان کشور، از منحرف شدن مسیر حرکت کشور توسط مسئولین جلوگیری کند و اعلام کند که خود را نماینده اراده جمهوری می داند و نقش نظارتی خود را با اجماعی که در مجلس هست، اعمال خواهد کرد.

تاکید خبرگان ملت بر پرهیز از سخنانی که موجب ارسال پالس ضعف به دشمن است، باید مد نظر مسئولان کشور قرار بگیرد.

تاکید بیانیه اخیر جمعی از نمایندگان مجلس خبرگان بر حفظ صلابت گفتاری و رفتاری کارگزاران نظام در مواجهه با جبهه استکبار، یک واجب شرعی و ضامن صیانت از امنیت ملی است. دشمن مستکبر راهبردها و میزان فشارهای خود را بر اساس نشانه‌ها و سیگنال‌های دریافتی از لسان و رفتار مسئولان کشور تنظیم می‌کند. از این رو، هرگونه موضع‌گیری که شائبه اضطراب، استیصال یا خستگی از ایستادگی را متبادر کند، اشتباهی او را برای عهدشکنی در فرجه ۶ روزه تفاهم‌نامه و مطالبه امتیازات بیشتر بازتر خواهد کرد.

مسئولان و کارگزاران کشور باید بدانند که دستاوردهای دردناک و نامتقارن میدان جنگ، ممکن است با ارسال پالس ضعف و ابراز سستی در مقابل دشمن، از دست برود. صراحت و اقتدار گفتار آنها در مقابل دشمن، می‌تواند هم‌تراز با اقتدار موشک‌ها، پایداری جبهه مقاومت و انسجام نفوذناپذیر ملت باشد و دشمن را نیز از خطای محاسباتی خود مبنی بر تضعیف ایران و محور مقاومت خارج کند.

از طرف دیگر موضعی که نشان دهنده عدم تاب‌آوری مردم یا بیان نکاتی که متضمن تضعیف اراده مقاومت در مردم باشد، دشمن را در کارزارهای شناختی و روانی خود حریص کرده و جنگ اقتصادی آنها را می‌تواند هدفمندتر کند. نوسان در مواضع رسمی و گره زدن معیشت مردم به این مذاکرات، می‌تواند یک پالس خطرناک به اتاق جنگ اقتصادی دشمن باشد. همچنین آثار مخرب اینگونه مواضع از سوی مسئولان امر، فقط متوجه فضای خارجی و دشمن نیست، فضای داخلی و افکار عمومی کشور نیز می‌تواند تحت تاثیر این القانات و ضعف‌ها، سست و ناامید شده و در مقابل دشمن احساس ضعف کند که توجه به این امر بسیار حائز اهمیت است.

تجربه نیز به ما نشان داده که همواره لحن مقتدرانه و ایستادگی عملی و روانی در مقابل دشمن، مفید فایده و سودمند بوده و دشمن را به عقب نشینی واداشته است. از این روی مسئولان باید با لحنی صریح بر شروط مطرح شده از طرف رهبر معظم انقلاب پافشاری کرده و خط لکت‌ناپذیر و مقتدرانه ایشان را شاخص واحد خود قرار داده و صدای واحد و یکپارچه اقتدار و مقاومت ایران را به گوش دشمن برسانند و بدانند مردم نیز به پشتوانه این صراحت و اقتدار، در این مسیر با صلابت در کنار آنها خواهند ایستاد.

جریان انقلاب نباید اجازه دهد این بیانیه تاریخی تحت تاثیر بازی های سیاسی به حاشیه رانده شود.



متأسفانه انتشار بیانیه تاریخی مجلس خبرگان، با حاشیه سازی برخی جریان های سیاسی همراه شد. این حاشیه ها عمدتاً معطوف به دو پرسش بود: نخست، چرا نام شماری از نمایندگان مردم در این بیانیه درج نشده است؟ و دوم، چرا بیانیه از طریق دبیرخانه و به صورت رسمی منتشر نشده، بلکه با امضای تعدادی از اعضا و به شیوه ای غیررسمی انتشار یافته است؟ مع الاسف، انتشار متن توضیحی دبیرخانه در واکنش به این بیانیه، نه تنها به این ابهامات پایان نداد، بلکه عملاً بر دامنه حواشی افزود و ناراضایتی ضمنی دبیرخانه را از متن یا شیوه انتشار آن، بیش از پیش نمایان ساخت؛ هرچند که در آن توضیحیه، بر کلیات و محتوای بیانیه تأکید و صحه گذاشته شده است.

در مقابل، انتشار یک یادداشت توضیحی، کوشید ابعاد فنی موضوع را روشن ساخته و التهاب را کنترل کند و توضیح داد: بیانیه به دلیل «فتوای فقهی» بودن، باید با امضای تک تک فقها منتشر می شد، نه از طریق دبیرخانه یا هیئت رئیسه؛ زیرا این یک نظریه شخصی علمی است، نه سند رسمی یک نهاد حقوقی. همچنین نوشت: عدم درج نام برخی اعضا، به هیچ وجه نشان دهنده اختلاف نظر نیست و صرفاً به دلیل کمبود وقت و دسترسی نداشتن در لحظه تنظیم نهایی بوده است؛ همه اعضا در موضع گیری متحد هستند.

در هر حال این موضوع و حواشی آن نشان می دهد به دلیل حساسیت شرایط و سوءاستفاده دشمنان، زمینه برای حاشیه سازی های وحدت شکن بسیار بالا است. با این حال، جریان انقلاب نباید اجازه دهد این بیانیه تاریخی و مهم، تحت تأثیر بازی های سیاسی و حاشیه های شکلی، از مسیر اصلی خود منحرف شده و پیام قاطع آن به حاشیه رانده شود و ضروری است اصل محتوای بیانیه، فارغ از روش انتشار در کانون توجه باقی بماند.